

جوان گرامی در بیان الہی

چرا جوان گرامی؟
چرا دولت جوان گرامی؟

یکصد دلیل و پاسخ
از منظر قرآن و عترت

— مؤلف: احمد نظری —

سیرشناسه	: نظری، احمد، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: جوان‌گرایی در بیان الهی: چرا دولت جوان‌گرا؟ یکصد دلیل و پاسخ از منظر قرآن و عترت/مؤلف احمد نظری.
مشخصات نشر	: قم: انتشارات سبط اکبر (ع)، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۶ ص.
شابک	: 978-600-7248-61-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
پادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۵۲-۲۵۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: چرا جوان‌گرایی؟ چرا دولت جوان‌گرا؟ یکصد دلیل و پاسخ از منظر قرآن و عترت.
موضوع	: خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره جوانان
موضوع	: Khamene'i, Sayyed Ali, Leader of IRI -- Views on young adults
موضوع	: جوانی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Youthfulness -- Religious aspects -- Islam
موضوع	: جوانان -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی
موضوع	: Young adults -- Political activity -- Iran
موضوع	: مدیریت -- مشارکت جوانان
موضوع	: Management -- *Participation, Juvenile
رده بندی کنگره	: BPTT/۱۶۵
رده بندی دیویی	: ۳۹۷/۲۸۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۵۰۲۸۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: ۷۶۵۰۲۸۳

جوان‌گرایی در بیان الهی

چرا دولت جوان‌گرا؟ یکصد دلیل و پاسخ از منظر قرآن و عترت

مؤلف: احمد نظری

تیراژ: ۱۰۰۰ عدد

ناشر: سبط اکبر (ع)

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

تعداد صفحه: ۲۵۶ صفحه

قطع: رقعی

چاپ و صحافی: نینوا / قم ۳۷۲۳۲۵۲۱-۰۲۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۴۸-۶۱-۴

قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۱
فصل اول: دلایل مدیریتی.....	۱۷
۱. مرتبط نبودن شایستگی به سن و سال.....	۱۹
۲. انتخاب جوانین جوان در فرهنگ قرآن.....	۲۱
۳. جوان، دارای برنامه و سیاست در حکومت داری.....	۲۳
۴. جوان، موفق ترین کارگزار رفع مشکلات معیشتی.....	۲۵
۵. جوان، سرمایه ملی انسانی.....	۲۷
۶. جوان و فرماندهی لشکر.....	۲۹
۷. جوان و انتخاب سفیر.....	۳۱
۸. جوان و انتخاب فرماندار.....	۳۳
۹. جوان و خستگی ناپذیری.....	۳۵
۱۰. جوان و خطرپذیری.....	۳۷
۱۱. سرعت در انجام کار خیر.....	۴۰
۱۲. جوان و قدرت جسمی و عقلی.....	۴۳
۱۳. جوان و حضور در صحنه های سخت.....	۴۵



۱۴. جوان و روحیه قهرمانی ۴۹
۱۵. جوان، جویای کار و تلاش ۵۱
۱۶. جوان، بی‌باکی و شجاعت ۵۴
۱۷. جوان، تغییر‌گرایی و تغییر‌پذیری ۵۶
۱۸. جوان، خلافت و نوآوری ۵۸
۱۹. جوان، چاره‌جویی ۶۰
۲۰. جوان، منظم و سازمان‌پذیر ۶۳
۲۱. جوان، رهیت بیشتر در سیاست ۶۵
۲۲. تشکیل دولت جوان‌حب الهی، علاج مشکلات کشور ۶۷
۲۳. جوانان و مشارکت در مصالح و مفاسد جامعه ۶۹
۲۴. جوان و اولویت آینده حکومت ۷۱
۲۵. جوان، اهل تعارف نبودن ۷۳
۲۶. جوانان و رهبران آینده ۷۵
۲۷. جوانان و الگویابی ۷۷
۲۸. جوان و نخبه‌پروری ۷۹
۲۹. موفق‌تر بودن جوان در تطبیق خود با جامعه ۸۱
۳۰. جوان، اهل منطق ۸۳
۳۱. جوان، مخاطب اصلی بیانیه گام دوم انقلاب ۸۵
- فصل دوم: دلایل اعتقادی ۸۷
۳۲. جوان و خدا ترسی ۸۹



۳۳. جوان و حق‌گرایی، نه اقل و اکثرگرایی ۹۱
۳۴. جوان، وقف در راه خداوند و اسلام ۹۳
۳۵. جوان و اراده قوی ۹۴
۳۶. جوان و همراهی با ولایت ۹۶
۳۷. جوان و مبارزه با انحرافات اعتقادی و خرافات ۹۸
۳۸. جوان و پذیرش محققانه معارف دینی ۱۰۱
۳۹. جوان و استقامت در راه ایمان ۱۰۴
۴۰. جوان، تساهل و تسامح ۱۰۷
۴۱. جوان و گرایش به اسلام ۱۱۰
۴۲. جوان، موفق‌تر در معرفی اسلام ۱۱۲
۴۳. جوان و یقین به باورها ۱۱۴
۴۴. جوان، توانمندتر در سخنوری ۱۱۶
۴۵. جوان، حقیقت‌گرایی و ایمان‌گرایی ۱۲۱
۴۶. جوان دیندار، مایه فخر و مباهات خداوند ۱۲۴

فصل سوم: دلایل اخلاقی ۱۲۷

۴۷. جوان و روحیه تعبد و تکلیف‌گرایی ۱۲۹
۴۸. جوان و عدالت‌خواهی ۱۳۱
۴۹. جوان و اهل‌گذشت ۱۳۳
۵۰. کیمیاگون بودن جوان ۱۳۶
۵۱. جوان و داشتن روحیه لطیف و انعطاف‌پذیر ۱۳۸

مقدمه

تبیین دلایل جوان گرایی، هرگز به معنای بی احترامی و بی حرمتی به کودکان، نوجوان، میانسالان و بزرگسالان نیست؛ بلکه صرفاً بیان واقعیت‌ها و ویژگی‌های جوانی است؛ چرا که جوانی، فصل شورانگیز زندگی و مظهر نشاط و سازندگی است. روح لطیف و قلب جوان، جلوه زیبایی آفرینش و صحنه مصفا‌ی هستی است. شور زندگی و آهنگ سازندگی در نگاه روشن و امیدوار جوان متجلی است. اگر شور و احساس جوانی با شعور عمیق دینی و سلاح توانای ایمان الهی تجهیز شود، سعادت نسل جوان و سلامت جامعه تضمین خواهد شد.

شخصیت جوان از نظر ابعاد وجودی دارای ویژگی‌ها و خصوصیات است که حیات او را از سایر مراحل عمرش ممتاز می‌کند. این ابعاد را می‌توان در ویژگی‌های جسمانی، عاطفی، اخلاقی، عقلی، معنوی و ... جستجو کرد که در سایر مراحل عمر قبل یا بعد از دوره جوانی یافت نمی‌شود. یا کمتر و ضعیف‌تر می‌شود.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«اَوْصِيكُمْ بِالشَّبَابِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْئِدَةً»؛ «شما را سفارش می‌کنم که با



جوانان به خوبی رفتار کنید؛ چرا که آنان قلب لطیف تری دارند»^۱.

امام علی علیه السلام می فرماید: «اربعه اشياء لا يعرف قدرها الا اربعة؛ الشباب لا يعرف قدره الا الشيوخ والعافية لا يعرف قدرها الا اهل البلاء والصحة لا يعرف قدرها الا المرضى والحياء لا يعرف قدرها الا الموتى»؛ «ارزش چهار چیز را جز چهار گروه نمی شناسند: جوانی را جز پیران، آسایش را جز گرفتاران، سلامتی را جز بیماران و زندگی را جز مردگان»^۲.

نیز می فرماید: «لا تزول قدم ابن آدم يوم القيامة من عند ربه حتى يسأل عن خمس، عن عمره فیم افتاه، وعن شبابه فیم ابلاه وماله من این اکتسبه وفیم انفق و ماذا عمل فیه علم»؛ «بای فرزند آدم از نزد پروردگار تکان نخواهد خورد تا این که از وی پنج سؤال پرسیده می شود: ۱. از عمرش که آن را در چه راهی و در چه چیزی صرف کرده است؟ ۲. از جوانی اش که در چه راهی و چه چیزی کهنه اش ساخته است؟ ۳. از مالش که از چه راهی به دست آورده است؟ ۴. مالش را در چه راهی خرج نموده است؟ ۵. و از عملش که با آموخته اش چه کاری انجام داده است؟»^۳

با اینکه جوانی جزء عمر انسان است، ولی در این حدیث نورانی بعد از سؤال از عمر دوباره سؤال از جوانی را تکرار نموده است، که نشانه حساسیت ویژه این دوره ممتاز از عمر آدمی است.

از سقراط حکیم پرسیدند چرا بیشتر با جوانان مجالست می کنی؟

۱. جوان از نظر عقل و احساسات، فلسفی، محمد تقی، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲. مواعظ العددیه، مشکینی، ص ۲۷۵.

۳. سنن الترمذی، ترمذی، محمد، ج ۹، ص ۲۵۳.



پاسخ داد که: «شاخه‌های نازک و تر را می‌توان راست کرد، ولی چوب‌های سخت که طراوت آن رفته باشد به استقامت نگراید».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«... خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم، جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قبول دعوتم سر باز زدند و به مخالفتم برخاستند».^۱

به همین خاطر آن حضرت هسته مرکزی اسلام را با مشارکت و دعوت از جوانان تشکیل دادند و همواره ایشان را حمایت نموده و درباره آنان به نیکی سفارش کرده‌اند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«ان احب الخلائق الى الله تعالى شاب حدث السن في صدره حسنة جعل شبابه و جماله في طاعة الله تعالى ذلك الذي يباهي الله به ملائكته فيقول هذا عبدی حقاً!» «به درستی که دوست داشتنی‌ترین خلایق نزد خداوند متعال جوان کم‌سن و نیکو چهره است، که جوانی و جمال خود را در راه اطاعت خداوند قرار داده است و این کسی است که خداوند به او نزد ملائکه مباحثات می‌کند و می‌گوید این حقیقتاً بنده من است».^۲

دوره جوانی دوران قدم نهادن به عرصه اجتماع است و جوانان خواهان کسب شخصیت اجتماعی می‌باشند و درصدد هستند هرچه زودتر مورد پذیرش جامعه قرار گیرند.

۱. الحدیث، فرید، مرتضی، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲. اعلام الدین، دیلمی، ص ۱۲۰.